

در کلاس درس ریاضی

سال سوم دبیرستان دبیر ریاضی فوق العاده‌ای داشتیم. واقعاً سر کلاس ایشان ما فقط ریاضی یاد نمی‌کردیم و صرفاً بحث بر سر حل معادله، رسم منحنی، مشتق و انتگرال نبود. بلکه در درس زندگی می‌گرفتیم و این آثارها و فرمول‌ها را می‌آورد برای اینکه اطلاعاتی را کسب کنیم که به «زندگی و آینده‌مان» بپردازد.

چهار ضلعی چه نام دارد؟
اکثر پشه‌ها گفتند: «آقا لوزی!»
بعد آقا گفت: «اگر این جور می‌کشیدمش چی؟» □
همه گفتند: «این مربع است آقا!»
آقا گفت: «یعنی هر لوزی مربع است؟ یا هر مربعی لوزی است؟»

فلاسه آن روز دبیر ما می‌خواست به ما نشان دهد که لزوماً عکس هر قضیه‌ای یک قضیه «درست نیست» و ممکن است برخلاف تصور ما، یا ظاهرش، درست نباشد. او به ما یاد داد که در زندگی بعضی چیزها برای بعضی موضوعات دیگر شرط لازم‌اند و برای بعضی چیزهای دیگر شرط کافی. (اگر چهار ضلعی مربع باشد آن‌گاه لوزی است، لذا مربع بودن برای لوزی بودن کافی است و لوزی بودن برای مربع بودن شرط لازم است.)

بعد سر کلاس از ما می‌پرسید: «پشه‌ها کدام گزاره برای کدام گزاره شرط لازم و کدام شرط کافی است؟»

(I) خوب درس خواندن برای قبول شدن
(II) صادق بودن برای نجات یافتن
(III) مسلمان بودن برای نماز خواندن
(IV) قانع بودن برای بی‌نیازی

حمیدرضا امیری
سر دبیر